

روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی

احمد حسین شریفی

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره)

پاییز ۱۳۹۵

فهرست مطالب

۱۷	مقدمه
۲۰	ساختار کلی کتاب
۲۳	ویژگی‌های کتاب
۲۶	سیاسگزاری

فصل اول: تحلیل مفاهیم و نکات مقدماتی

۳۲	روش
۳۳	روش‌شناسی
۳۵	روش و علوم مرتبط
۳۶	یک. روش و معرفت‌شناسی
۳۷	دو. روش و منطق
۳۷	سه. روش و دانش اصول
۳۸	چهار. روش و دانش هرمنوتیک
۳۹	روش تحقیق و تمایز علوم
۴۲	تعریف علوم انسانی
۴۹	تعریف علوم انسانی اسلامی
۵۰	روش‌های گردآوری اطلاعات

- ۵۲ یک. ویژگی‌های روش‌شناختی رویکرد کمتی.
- ۵۳ دو. ویژگی‌های روش‌شناختی رویکرد کیفی.
- ۵۹ سه. ویژگی‌های روش‌شناختی رویکرد ترکیبی.
- ۶۱ جمع‌بندی نهایی.
- ۶۱ نکته اول: وابستگی روش گردآوری به نوع مسأله.
- ۶۲ نکته دوم: نفی استقلال روش ترکیبی.
- ۶۲ روش داوری: کثرت‌گرایی روشی.
- ۶۷ یک. بنیان نادرست نظریه وحدت روش.
- ۶۸ دو. الزامات روشی ویژگی‌های موضوع علوم انسانی.
- ۶۸ سه. وابستگی روش به مسأله.
- ۶۹ چهار. دلالت روش‌شناختی هدف علم.
- ۷۰ خلاصه فصل.

فصل دوم: نظریه ضد روش

- ۸۱ بررسی دیدگاه فایربرند.
- ۸۱ نادرست دانستن روش‌شناسی‌های موجود.
- ۸۳ بررسی و نقد.
- ۸۴ انکار معرفت ثابت.
- ۸۵ بررسی و نقد.
- ۸۶ آشفتگی در نظریه‌پردازی.
- ۸۸ بررسی و نقد.
- ۸۹ مخالفت روش‌مندسازی علم با انسانیت و آزادی.
- ۹۱ بررسی و نقد.
- ۹۳ غیرروشنمند بودن داوری‌های علمی.
- ۹۶ بررسی و نقد.
- ۹۹ بررسی دیدگاه کالینز و پینچ.

۱۰۰	نقش سنت علمی در روش
۱۰۱	بررسی و نقد
۱۰۱	نسبیت معرفت علمی
۱۰۱	بررسی و نقد
۱۰۲	معیار حل مناقشات علمی
۱۰۳	بررسی و نقد
۱۰۴	بررسی دیدگاه سعید زیباکلام
۱۰۶	بررسی و نقد
۱۰۸	خلاصه فصل

فصل سوم: پرسش‌های پژوهشی

۱۱۵	پرسش‌های اصلی و فرعی
۱۱۷	تعداد پرسش‌های اصلی
۱۲۱	تقسیمات پرسش‌های اصلی
۱۲۳	رابطه پرسش‌های فرعی و پرسش از چگونگی
۱۲۸	ترتیب منطقی پرسش‌های پژوهشی
۱۲۹	دیدگاه نگارنده درباره پرسش‌های پژوهشی
۱۳۲	جمع‌بندی
۱۳۴	خلاصه فصل

فصل چهارم: روش تعریف

۱۴۱	تعریف تعریف
۱۴۲	انواع تعریف
۱۴۵	تعریف حدی در علوم انسانی
۱۴۸	تعریف مفهومی در علوم انسانی
۱۵۲	توجه به اصل ابزارانگاری تعریف
۱۵۳	ویژگی‌های روش شناختی تعریف

- ۱۵۴ یک. استدلال‌ناپذیری تعریف
- ۱۵۵ دو. جامع و مانع بودن
- ۱۵۸ سه. وضوح و تمایز
- ۱۵۹ چهار. استفاده از مفاهیم ایجابی
- ۱۵۹ پنج. استفاده از الفاظ صریح و متداول
- ۱۶۱ شش. همه‌جانبه بودن
- ۱۶۲ هفت. عدم وجود تردید در تعریف
- ۱۶۳ هشت. مغالطه نبودن تعریف
- ۱۶۶ خلاصه فصل

فصل پنجم: روش توصیف

- ۱۷۱ اهمیت توصیف
- ۱۷۲ منظور از توصیف
- ۱۷۳ تفاوت توصیف و تعریف
- ۱۷۶ انواع پژوهش‌های توصیفی
- ۱۷۷ مراتب توصیف
- ۱۸۰ وابستگی توصیف به نوع مسأله
- ۱۸۱ ویژگی‌های روش‌شناختی توصیف
- ۱۸۲ یک. وضوح
- ۱۸۳ دو. دقت
- ۱۸۳ سه. تمایز مصداقی
- ۱۸۴ چهار. صدق و کذب‌پذیری
- ۱۸۵ پنج. قابلیت اثبات یا رد
- ۱۸۶ شش. بی‌طرفی و انفعال
- ۱۹۳ خلاصه فصل

فصل ششم: روش تبیین

- ۱۹۷ تعریف تبیین

۲۰۱ دشواری تبیین در علوم انسانی
۲۰۵ رابطه تبیین و سایر اهداف پژوهش
۲۰۹ انواع تبیین
۲۱۰ یک. تبیین علی
۲۱۱ دو. تبیین‌های آماری
۲۱۳ کارکردهای تبیین آماری
۲۱۵ ارزش معرفتی تبیین آماری
۲۱۷ سه. تبیین اختیار عاقلانه
۲۲۶ چهار. تبیین انگیزه‌ای
۲۲۷ پنج. تبیین کارکردی
۲۳۳ شش. تبیین ساختاری
۲۳۷ خلاصه فصل

فصل هفتم: ویژگی‌های روش‌شناسی تبیین

۲۴۲ یک. تنوع‌پذیری تبیین
۲۴۸ دو. تحویل‌گرایی در تبیین
۲۵۴ سه. توجه به سطوح مختلف آدمیان
۲۶۱ چهار. توجه به علل طولی
۲۶۳ پنج. سنجش‌پذیری تبیین
۲۶۴ شش. مغالطه نبودن تبیین
۲۷۱ هفت. کارآمدی تبیین
۲۷۳ خلاصه فصل

فصل هشتم: روش استدلال

۲۷۸ انواع استدلال
۲۷۸ انواع استدلال از حیث شکلی
۲۸۰ روش‌های قیاسی، استقرائی و تمثیلی

- ۲۸۶ روش پس‌کاوی
- ۲۸۹ روش استقهامی
- ۲۹۱ انواع استدلال از حیث محتوایی
- ۲۹۲ برهان
- ۲۹۶ جدل
- ۲۹۶ خطابه
- ۲۹۶ شعر
- ۲۹۷ مغالطه
- ۲۹۹ ویژگی‌های روش‌شناختی استدلال
- ۲۹۹ یک. قیاسی بودن همه استدلال‌ها
- ۳۰۱ دو. صورت‌بندی صحیح
- ۳۰۲ سه. نیازمندی به معرفت‌شناسی
- ۳۰۳ چهار. تبعیت نتیجه از مقدمات
- ۳۰۴ پنج. مغالطه نبودن صورت استدلال
- ۳۰۸ شش. مغالطه نبودن محتوای استدلال
- ۳۱۶ خلاصه فصل

فصل نهم: روش استدلال استقرائی

- ۳۲۲ انواع استدلال‌های استقرائی
- ۳۲۵ مراحل استدلال استقرائی
- ۳۲۵ دیدگاه کارل همپل
- ۳۲۷ دیدگاه شهید صدر
- ۳۲۹ مسأله استقراء
- ۳۳۰ دیدگاه مشهور حکمای مسلمان
- ۳۳۶ دیدگاه هیوم
- ۳۴۰ دیدگاه جان استوارت میل

۳۴۳	دیدگاه کارل پوپر.....
۳۴۵	دیدگاه زکی محمود.....
۳۴۷	دیدگاه شهید مطهری.....
۳۴۸	دیدگاه شهید صدر.....
۳۵۳	دیدگاه آیت‌الله مصباح.....
۳۵۸	ویژگی‌های روش‌شناختی دلیل استقرائی.....
۳۵۸	یک. استقراء ناتوان از ارائه نتیجه‌ای یقینی.....
۳۶۱	دو. عدم امکان اثبات عقلی یا تجربی اصل استقراء.....
۳۶۲	سه. شرایط لازم برای اعتبار ظنی استقراء.....
۳۶۳	أ. شرط کثرت.....
۳۶۳	ب. شرط تنوع.....
۳۶۴	ج. شرط انتخاب تصادفی.....
۳۶۴	د. شرط انسجام.....
۳۶۵	چهار. وابستگی مشاهدات علمی به نظریه‌ها.....
۳۶۶	پنج. مغالطه نبودن استقراء.....
۳۶۸	خلاصه فصل.....

فصل دهم: روش استدلال تمثیلی

۳۷۸	روش اثبات علیت در استدلال تمثیلی.....
۳۷۹	روش طرد و عکس.....
۳۸۰	روش تقسیم و سبر.....
۳۸۷	ناکارآمدی تمثیل در گزاره‌های دینی.....
۳۹۰	کاربردهای تمثیل در علوم مختلف.....
۴۰۱	خلاصه فصل.....

فصل یازدهم: روش تفسیر

۴۰۶	تعریف تفسیر.....
-----	------------------

- ۴۰۸..... رابطه تبیین و تفسیر
- ۴۰۹..... دیدگاه اول: عینیت تفسیر و تبیین
- ۴۱۱..... دیدگاه دوم: تقدم تفسیر بر تبیین
- ۴۱۷..... دیدگاه سوم: تباین تبیین و تفسیر
- ۴۱۹..... دیدگاه چهارم: تمایز تفسیر و تبیین
- ۴۲۲..... انواع دیدگاه‌های تفسیری
- ۴۲۵..... یک. نظریه کنش‌محور
- ۴۲۷..... دو. نظریه کنشگرمحور
- ۴۳۲..... سه. نظریه مفسر‌محور
- ۴۳۴..... هایدگر
- ۴۳۶..... گادامر
- ۴۳۸..... گیرتز
- ۴۳۹..... چهار. نظریه ترکیبی
- ۴۴۴..... خلاصه فصل

فصل دوازدهم: ویژگی‌های روش‌شناختی تفسیر

- ۴۵۱..... یک. عینیت‌گرایی تفسیری
- ۴۵۱..... امیلو بتی
- ۴۵۲..... اریک هرش
- ۴۵۴..... پیتر وینچ
- ۴۵۸..... دو. وابستگی تفسیر به فرهنگ
- ۴۶۱..... سه. وابستگی تفسیر به فهم بینش‌ها
- ۴۶۲..... چهار. قاعده‌مندی تفسیر
- ۴۶۹..... پنج. استفاده از روش‌های درون‌کاو
- ۴۷۰..... شش. به کارگیری روش استقهامی
- ۴۷۵..... هفت. استفاده از روش تفهومی

۴۷۸	هشت. پرهیز از تفسیر به رأی
۴۸۰	نه. مغالطه نبودن تفسیر
۴۸۴	خلاصه فصل

فصل سیزدهم: روش پیش‌بینی

۴۹۰	مفهوم‌شناسی
۴۹۰	پیش‌بینی
۴۹۱	پیش‌گویی
۴۹۲	آینده‌پژوهی
۴۹۶	امکان پیش‌بینی
۴۹۹	ضرورت و اهمیت پیش‌بینی
۵۰۴	اهمیت پیش‌بینی در روایات اسلامی
۵۰۶	بنیان‌های نظری پیش‌بینی
۵۰۷	یک. قاعده‌مندی نظام هستی
۵۱۰	دو. وحدت نظام هستی
۵۱۰	سه. سخت‌یت علی و معلولی
۵۱۲	چهار. قضا و قدر
۵۱۳	پنج. اختیار انسان
۵۱۴	شش. سرشت مشترک انسان‌ها
۵۱۵	هفت. هدفمندی انسان
۵۱۶	هشت. کمال‌جویی انسان
۵۱۷	نه. بی‌نهایت‌خواهی انسان
۵۱۷	ده. توجه به مبادی صدور فعل
۵۱۸	ویژگی‌های روش‌شناختی پیش‌بینی
۵۱۸	یک. دشواری پیش‌بینی در علوم انسانی
۵۲۳	دو. ضرورت آگاهی تاریخی

- سه. پرهیز از آرزواندیشی‌های خیالی ۵۳۰
- چهار. عدم قطعیت ۵۳۱
- خلاصه فصل ۵۳۵

فصل چهاردهم: روش ارزشیابی

- اصل حاکم بر فرایند ارزشیابی: بهره‌گیری از همه منابع معرفت ۵۴۲
- فرایند کشف ارزش ۵۴۶
- گام اول: تعیین موضوع یا مسأله مورد بحث ۵۴۷
- گام دوم: جستجو در منابع و متون دینی ۵۴۸
- گام سوم: حیطة‌شناسی موضوع مورد بحث ۵۵۰
- گام چهارم: کشف قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی ۵۵۶
- گام پنجم: فهم مقاصد و غایات زیست اسلامی ۵۷۴
- گام ششم: انطباق با مبانی اسلامی ۵۸۴
- خلاصه فصل ۵۸۷
- فهرست منابع ۵۹۰
- منابع فارسی و عربی ۵۹۰
- منابع انگلیسی ۶۱۴
- نمایه‌ها ۶۲۰

مقدمه

بحث از روش و روش‌شناسی، یکی از پر جاذبه‌ترین و البته پر مجادله‌ترین مباحث در میان عالمان علوم انسانی است. تا جایی که بعضاً دوران اخیر را دوران «نبرد روش‌ها»^۱ نامگذاری کرده‌اند. در دهه‌های اخیر، صدها کتاب دربارهٔ روش و روش‌شناسی نوشته شده است. تحقیقات بسیار گسترده، مفید و کارگشایی در این زمینه صورت گرفته است.

با این حال، به نظر می‌رسد بسیاری از اندیشه‌ها و آثار پدید آمده ابتدایی‌ترین شرایط «روش» یعنی «روش‌نگری»، «وضوح»، «کارآمدی» و «راهبری» را ندارند. گویا «روش‌شناسی» نیز سرنوشت علم منطق، اصول فقه و هرمنوتیک را پیدا کرده است. فلسفه وجودی این علوم نیز این بود که به ترتیب، شیوهٔ درست اندیشیدن، روش صحیح استنباط و کشف آموزه‌های دینی و روش فهم و تفسیر متن را نشان دهند. اما بعد از مدتی

خود آنها اصالت پیدا کردند و افرادی متخصص در این علوم ابزاری شدند و آنقدر بر حواشی و شاخ و برگ‌های آنها افزودند که فلسفه شکل‌گیری آنها به فراموشی سپرده شد. «روش‌شناسی» نیز علی‌رغم آنکه زمان چندانی از پیدایش آن نمی‌گذرد، به همین سرنوشت مبتلا شده است!

افزون بر این، روش‌شناسی‌های موجود، در بسیاری از موارد فاصله زیادی با مطلوب دارند. مطلوب ما، در علوم انسانی عبارت است از «تعریف»، «توصیف»، «تیین»، «تفسیر»، «پیش‌بینی»، «ارزشیابی» و «جهت‌دهی یا کنترل» کنش‌های انسانی. اگر چنین است روش نیز باید بتواند این مطلوب و خواسته را تأمین کند و باید در خدمت تحقق این اهداف باشد. باید بتواند توصیف صحیح از ناصحیح را نشان دهد؛ در تبیین و سایر مؤلفه‌ها نیز به همین ترتیب.

سعی نویسنده در این نوشتار بر آن است که فلسفه روش و روش‌شناسی را در نظر بگیرد و به گونه‌ای مسیر خود را طی کند که اولاً، این نوشتار، برخوردار از ویژگی وضوح باشد و بتواند برای محققان علوم انسانی راهبری کند؛ ثانیاً، در خدمت اهداف و کارکردهای اصلی علوم انسانی باشد. یعنی راه‌ها و روش‌های اطمینان‌بخشی را برای دستیابی به واقعیت در هر یک از مؤلفه‌های علوم انسانی در اختیار قرار دهد و ثالثاً، در همه بخش‌ها، مبانی و مقاصد و ارزش‌های اسلامی را مورد توجه قرار دهد و به تعبیر دیگر، روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی را ارائه دهد. امید است که با توفیق الهی، در دستیابی به این اهداف موفق باشد.

برخی از مخالفان علوم انسانی اسلامی، تحلیلی از اهداف و کارکردهای علوم انسانی ارائه می‌دهند که این علوم را محدود به رویکردها و روش‌های تجربی می‌کند و بدین ترتیب محصول مطالعات دانشجویان رشته‌های علوم انسانی حتی در اسلامی‌ترین مراکز و مؤسسات و دانشگاه‌ها، چیزی جز نگاه سکولاریستی و ماتریالیستی نخواهد بود! بنابراین، تا نتوانیم روش‌های صحیح و واقعیت‌جویانه و حقیقت‌پژوهانه‌ای برای توصیف، تبیین، تفسیر و سایر کارکردهای علوم انسانی ارائه دهیم، نمی‌توانیم امیدی به تولید علوم انسانی اسلامی یا اسلامی‌سازی علوم انسانی داشته باشیم.

به تعبیر دیگر، یکی از مهم‌ترین ابعاد اسلامی‌سازی علوم انسانی، داشتن روش‌هایی است که با آنها بتوان به این مقصود دست یافت. روش، همچون راه می‌ماند. اگر ما می‌خواهیم به مقصد خاصی برسیم باید راهی را برگزینیم که ما را به آن مقصد برساند و الا اگر آگاهانه یا ناآگاهانه مسیری را برگزینیم که در جهت مقصود ما نباشد، هر چه هم تلاش کنیم و هر اندازه هم در طی طریق جدیت داشته باشیم هرگز به آن مقصود نخواهیم رسید. بنابراین، یکی از مهم‌ترین گام‌ها در تولید علوم انسانی اسلامی برخوردار از روش اسلامی توصیف و تبیین و تفسیر و امثال آن است. روش‌های سکولاریستی، محصولی جز علم سکولار پدید نمی‌آورند؛ همانطور که از روش‌های ماتریالیستی نمی‌توان انتظاری جز تولید علوم ماتریالیستی داشت. به همین ترتیب، اگر در جستجوی علوم

انسانی اسلامی هستیم، باید در همهٔ مراحل علوم انسانی از روش‌های هماهنگ با اندیشه و فکر اسلامی استفاده کنیم. ارائهٔ روش‌شناسی اسلامی تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی و کنترل، رسالتی است که نوشتار حاضر بر عهده گرفته است. بدون طی این مرحله، نمی‌توان به نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی امیدوار بود.

همانطور که در ادامه خواهیم گفت، این کتاب هرگز به دنبال روش نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی نیست؛ بلکه رسالت آن تبیین روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی است. یعنی می‌خواهد بر اساس اندیشه و فکر اسلامی، معیارها و ضوابط روش‌شناختی تعریف، توصیف، تبیین، تفسیر و سایر کارکردهای علوم انسانی را تشریح کند. نظریه‌پردازی، روش و ساز و کار ویژه‌ای می‌خواهد که ان‌شاءالله در کتابی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

ساختار کلی کتاب

این کتاب در یک مقدمه و چهارده فصل تدوین یافته است. منطق فصل‌بندی این کتاب را می‌توان در تعریف نگارنده از علوم انسانی جستجو کرد. توضیح آنکه از نگاه نگارنده، علوم انسانی علمی‌اند که به «بررسی کنش‌های انسانی انسان» می‌پردازند. اما این تعریف، مجمل و تا اندازه‌ای ناگویا است. توجه به کارکردهای علوم انسانی و انواع تحلیل‌هایی که دربارهٔ کنش‌های انسانی انجام می‌دهند، فهم دقیق‌تری از علوم انسانی و به تبع علوم انسانی اسلامی و در نتیجه روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی برای ما به ارمغان می‌آورد.